

## ظرفیت‌شناسی ابزارهای آینده‌پژوهی در سیاست‌گذاری رسانه

صفیه رضایی

دکتری آینده‌پژوهی انقلاب اسلامی دانشگاه شاهد تهران  
Safiye.rezaee@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>نوع مقاله: مقاله پژوهشی</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۲۰</p> <p>تاریخ بازنگری: ۱۴۰۰/۱۱/۲۵</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۲۸</p> <p>تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۱/۲۵</p> <p><b>کلیدواژه‌ها:</b> آینده‌پژوهی، سیاست‌گذاری رسانه، ابزارها، خلاء، چرخه سیاستی.</p>	<p>وجود عناصر و پدیده‌های نوظهور در عرصه رسانه و خبر ایجاب می‌کند که نوع سیاست‌گذاری در این بستر، پویا و سیال باشد. به این دلیل که در عصر تحولات متنوع، متکثر و سرشار از عدم قطعیت‌ها، دامنه غافلگیری سیاست‌گذاران رسانه بیشتر می‌شود و از این‌رو برای بهینه کردن چرخه سیاستی رسانه، بهره‌گیری از دانش و ابزار آینده‌پژوهی، همواره پیشنهاد شده است. در واقع آینده‌پژوهی می‌تواند خلاءهای عرصه سیاست‌گذاری رسانه را مرتفع سازد. این مهم با بهره‌گیری از ابزارها و روش‌های این دانش میسر خواهد شد. از این‌رو هدف این نوشتار، معرفی و بررسی ابزارهای آینده‌پژوهی است که می‌تواند در حوزه سیاست‌گذاری رسانه مفید باشند. در این مقاله سعی شده است، به این سوال اصلی پاسخ داده شود که ظرفیت‌های ابزارهای آینده‌پژوهی در سیاست‌گذاری رسانه چیست؟ در این راستا، برای پیشبرد پژوهش از روش کیفی کتابخانه‌ای و برای گردآوری داده‌ها از ابزار فیش‌برداری از منابع مختلف بهره گرفته شده است. براساس داده‌های این مقاله، برای بهره‌گیری بهینه از ظرفیت‌های آینده‌پژوهی در سیاست‌گذاری رسانه لازم است چالش‌های موجود در این عرصه برطرف شود. در این راستا، نهادینگی علمی آینده‌پژوهی با هدف زمینه‌سازی برای پیوند بین دو دانش آینده‌پژوهی و سیاست‌گذاری رسانه پیشنهاد شده است.</p>

استناد: نام خانوادگی، نام؛ نام خانوادگی، نام؛ و نام خانوادگی، نام (۱۴۰۱). عنوان مقاله. علوم خبری، ۱۱ (۳)، ۱-۲۰.

DOI: <http://doi.org/000000000000000000000000>



© نویسنده‌گان.

## مقدمه و بیان مساله

الزام به سیاستگذاری در عرصه رسانه از آن جا ناشی می‌شود که دولت‌ها خواهان حاکمیت بر ورودی‌ها و خروجی‌های اخبار و داده‌های خبری هستند. این امر، با وجودی که سخن از ناتوانی دولت‌ها در این عرصه به دلیل سرعت اطلاعات و تحولات می‌شود، باز هم قابل اغماض نیست؛ چرا که در عرصه بازاریابی و حاکمیت سایبری نیز بر اهمیت سیاستگذاری رسانه تاکید می‌شود. با این حال، چه سخن از سیاستگذاری پنهان و چه آشکار در این حوزه شود، باز هم چالش‌هایی در این عرصه متصور می‌باشد که نشأت گرفته از دامنه اثرگذاری و مدیریت در عرصه سیاستی است. به این معنی که خلاءهای سیاستی همچون: ناتوانی روش و مدل‌های سیاستگذاری رسانه، ضعف در شناسایی وضعیت موجود و ابهام در ترسیم آینده، باعث نقصان در چرخه سیاستی رسانه می‌شود. این مسائل، مواجهه نادرست با واقعیت‌ها و جهت‌گیری‌های نادرست در عرصه رسانه را باعث خواهد شد. از این رو بر اهمیت بهره‌گیری از دانش آینده‌پژوهی در سیاستگذاری رسانه تا آن جایی تاکید می‌گردد که ابزارها و روش‌های این علم بتوانند برای چرخه سیاستی رسانه مفید واقع شوند.

به بیان دیگر، وجود پدیده‌های غیرقابل پیش‌بینی و مسائل متنوع، متفاوت و موضوعات نوظهور، گاه باعث ناتوانی چرخه سیاستی می‌شوند. در این راستا، علم آینده‌پژوهی به عنوان علمی بین‌رشته‌ای و به تعبیری فرارشته‌ای با ظرفیت‌های محتوایی و روشی، این قابلیت را دارد که به کمک سیاست‌گذاران بیاید. در واقع دانش آینده‌پژوهی با ظرفیت‌هایی که در ترسیم، تصویرسازی و خلق آینده دارد، می‌تواند خلاءهای عرصه سیاست‌گذاری را جبران سازد.

از این رو در نوشتار حاضر، در کنار تاکید بر اهمیت بهره‌گیری از دانش آینده‌پژوهی در روند سیاستگذاری رسانه به معرفی ظرفیت ابزارهای آینده‌پژوهی در راستای بهینه‌سازی سیاستگذاری رسانه خواهیم پرداخت. رویکرد اصلی نوشتار این است که سیاستگذاری رسانه، جزئی جدانشدنی از حلقه مدیریت رسانه و حکمرانی رسانه‌ای است که دولت‌ها باید بر آن مداومت و تاکید داشته باشند. در واقع سیاستگذاری در عرصه رسانه باید وجود داشته باشد و وجود عقاید نوظهور مبنی بر بی‌طرفی دولت‌ها در این

عرصه، مورد نظر این نوشتار نیست. به علاوه اینکه با معرفی برخی از کارآمدترین ابزارها و روش‌های آینده پژوهی، این نکته مورد تاکید قرار می‌گیرد که دانش آینده پژوهی می‌تواند در رفع خلاءهای متصور در چرخه سیاست‌گذاری رسانه، مفید و تاثیرگذار باشد. بنابراین با طرح این سوال اصلی که ابزارهای آینده پژوهی در سیاستگذاری رسانه چه کاربرد و ظرفیتی می‌توانند داشته باشند و با استفاده از روش کیفی کتابخانه ای و نیز ابزار گردآوری فیش برداری، ابعاد موضوع مطرح، مورد واکاوی قرار گرفته است.

## ۱. ادبیات موضوع و پیشینه پژوهش

### ۱-۱. چارچوب مفهومی و مفاهیم بنیادین

#### ۱-۱-۲. سیاستگذاری رسانه

سیاستگذاری (policy or policy making) به مفهوم سیاست ویژه، ایجاد یک سیاست ویژه یا سیاست عملیاتی دانسته شده که به خوبی تمایز این دو قابل فهم است. (اشتریان، ۱۳۸۶: ۱۲) خمیرمایه شکل‌گیری سیاستگذاری حل یک مسئله عمومی است. (دانایی فرد و همکاران، ۱۳۹۴) در واقع، سیاست‌گذاری، فرایندی است که مسئله‌ای را در عرصه عمومی شناسایی و برای آن راه‌حل می‌دهد. (Sabatier, 1991: 144-146) از این نگاه، سیاست‌گذاری شیوه مشخص شکل دادن به عمل تعریف می‌شود. در واقع تلاشی هدفمند و آگاهانه است تا تصادفی. با این حال، هنوز نظریه پیش‌گویانه‌ای یگانه‌ای درباره سیاست‌گذاری وجود ندارد که مشخص کند چگونه سیاست تدوین می‌شود. (قلی‌پور و غلام‌پور، ۱۳۹۳: ۴۸) درحقیقت می‌توان روند سیاستگذاری را فرایندی سیال و حتی ذهنی دانست. به باور اسمیت، فرایند سیاست‌گذاری عمومی به صورت مجموعه‌ای از آثار و عواملی همچون اعتقادات و ارزش‌های جامعه، فشار و قدرت، دانش و فن و قوانین قابل تصور است. در واقع سیاست‌گذاری در میان مفاهیمی چون پارادایم‌ها، مرجعیت‌ها و گروه‌ها شکل می‌گیرد. (ملک محمدی و کمالی، ۱۳۹۵) با توجه به این دیدگاه می‌توان فرایند سیاست‌گذاری را در سه بخش جامعه مدنی، دولت و بخش خصوصی نیز تعمیم داد که با حفظ رویکرد عقلانی در سه مرحله دستورگذاری، مرحله تصمیم‌گیری و مرحله اجرا قابل تعریف شود. (قلی‌پور و غلام‌پور، ۱۳۹۳: ۷۷)

البته برحسب اینکه سیاست‌گذاری توسط چه کسی، چه نگاهی و در چه گستره حکمرانی قابل تعریف و انجام است رویکردهای مختلفی را می‌توان برای آن تصور کرد. بدیهی است شرایط تاریخی، فرهنگی، اجتماعی، ایدئولوژیک، نحوه تعریف پارادایم‌ها و الگوی ذهنی سیاستگذاران، می‌تواند در تعیین رویکردها و جهت‌گیری‌های سیاست‌گذاری نقش داشته باشد. چه بسا که تعیین نوع رویکردهای سیاست‌گذاری می‌تواند در نتیجه بخش بودن فرایند سیاست‌گذاری تاثیرگذار شود. در این راستا سیاست‌گذاری رسانه، مجموعه‌ای از هنجارهایی است که در جهت راهبری نظام رسانه‌ای تدوین می‌شود. در بیان دیگر، سیاست‌گذاری رسانه به مجموعه تصمیم‌هایی قابل اطلاق است که در عرصه رسانه صورت می‌پذیرند. (روشندل اربطانی، ۱۳۹۴) بدیهی است که مراد از سیاست‌گذاری رسانه در این نوشتار بسته‌های سیاستی با رویکرد تجویزی و هنجاری است که با هدف ریل‌گذاری در شاکله رسانه‌ای انجام می‌شود.

#### ۱-۱-۳. آینده‌پژوهی

هر چند آینده‌پژوهی در روزگاران گذشته به صور گوناگونی وجود داشته اما رشد آینده-پژوهی علمی از دهه ۶۰ میلادی است. (عیوضی، ۱۳۹۵) زمانی که پولاک کتاب تصویر آینده را در سال ۱۹۵۰ و وتل، هنر حدس زدن را در سال ۱۹۶۴ نگارش کردند را می‌توان زمانی برای رشد آینده‌پژوهی مدرن دانست. (اسلاتر، ۱۳۸۵: ۲۰) این رشد به اعتقاد اسلاتر به عنوان نتیجه‌ای از بافت جدید تاریخی ایجاد شده توسط مدرنیته و دلواپسی نسبت به توسعه صنعتی شکل گرفته بود. رشد آینده‌پژوهی مدرن زمینه تعریف آن در قالب علمی را به منظور کاربرست در حوزه‌های مختلف فراهم کرد. در راستای این جهت-گیری علمی، آینده‌پژوهی، مطالعه نظام‌مند آینده‌های ممکن، محتمل و مرجح و دیدگاه‌ها و جهان‌بینی و اسطوره‌های بنیادین هر آینده تعریف شده است (عنایت‌الله، ۱۳۹۳: ۷)

در واقع آینده‌پژوهی کنشی است که هدف از آن ابداع یا کشف سنجش ارزیابی و طرح آینده‌های ممکن، محتمل و مرجح است. (Bell, 1997: 8) براساس این تعریف آینده‌پژوهی، کنش‌ها و رفتارهای اجتماعی را شامل می‌شود. بنابراین آینده‌پژوهی مشتمل بر مجموعه تلاش‌هایی است که با استفاده از تجزیه و تحلیل الگوها، منابع و عوامل

تغییر و یا ثبات، به تجسم آینده‌های بالقوه می‌پردازد. (بل، ۲۰۰۳: ۴۳) به باور بل، آینده‌پژوهی در پی شناسایی، ابداع، ارائه، آزمون و ارزیابی آینده‌های ممکن و محتمل است تا بر پایه ارزش‌های جامعه، آینده‌های مرجح را انتخاب و برای پی‌ریزی ساخت مطلوب‌ترین آینده کمک کنند. (عیوضی، ۱۳۹۵) در قالب این رویکرد، آینده پژوهی علمی است که توانایی ایجاد یک چشم‌انداز جامع از آینده و استفاده از این چشم‌انداز برای اتخاذ برنامه‌های مفید دارد.

این توضیح از آینده پژوهی با نگاه بن‌مارتین که می‌گوید: آینده‌پژوهی، فرایند تلاش نظام‌مند برای نگاه به آینده بلندمدت علم، تکنولوژی، محیط زیست، اقتصاد و اجتماع می‌باشد که با هدف شناسایی تکنولوژی‌های عام نوظهور و تقویت حوزه‌های تحقیقات استراتژیکی است که احتمالاً بیشترین منافع اقتصادی و اجتماعی را به همراه دارند، نیز تطابق دارد. (پدرام و عیوضی، ۱۳۹۰) در تعریفی دیگر آینده پژوهی هنر طراحی آینده به گونه ای پیش‌دستانه و فعالانه است. در مجموع آینده پژوهی یک علم کاربردی و عملگرا است که از دو مؤلفه متمایز توصیفی و تجویزی و رویکرد هنجاری - اکتشافی تشکیل شده است. وجه توصیفی آن، برگمانه‌زنی در زمینه روندهای آینده با تکیه بر بهترین دانسته‌ها و معرفت‌های زمینه ای استوار است؛ وجه تجویزی آینده پژوهی نیز در تلاش برای پاسخ به این سؤال است که در آینده چه باید اتفاق بیفتد؟

این جنبه از آینده‌پژوهی، حاکی از تأثیرپذیری آن از «مسائل»، «ارزش‌ها»، «نیازهای مشخص» و «اراده‌ها» است که بر عنصر تغییر متمرکز است. پس آینده پژوهی به‌دنبال شناسایی، پیش‌بینی و تدبیر ساخت آینده مطلوب است. در این فرایند عنصر تغییر از مفاهیم راهبردی و از عمق معنایی بالایی برخوردار است. در کنار این تعاریف از آینده پژوهی، ریچارد اسلاتر معتقد است که به جای آینده پژوهی باید اندیشیدن به آینده را مورد دقت قرار داد؛ چرا که در نگاه وی آینده اندیشی مقدم به آینده پژوهی است. (Slaughter, 2008: 16) وندل بل نیز آینده‌اندیشی را زیر بنای آینده پژوهی می‌داند. البته قدمت آینده اندیشی بیشتر از آینده پژوهی است. شاید بتوان اینگونه گفت که آینده پژوهی یک حوزه روبه رشد با سنتی بلندمدت است که در بخش‌های مختلف علوم با وجود حل نداشتن بسیاری از مسائل کاربرد دارد. در واقع، دربستر آینده‌پژوهی چندین آینده متفاوت تعریف می‌شود؛ (لمپرت، ۲۰۰۳: ۹) وندل بل در این راستا اهداف آینده-

پژوهی را بررسی آینده‌های ممکن، بررسی آینده‌های محتمل، بررسی تصویرهای آینده، بررسی بنیان‌های معرفتی آینده‌پژوهی، بررسی بنیان‌های اخلاقی آینده‌پژوهی، تفسیر گذشته و تعیین موقعیت حال، تلفیق دانش و ارزش برای طراحی حرکت اجتماعی، افزایش مشارکت مردمی در تصویرسازی از آینده و طراحی آن و ترویج تصویری خاص از آینده و حمایت از آن دانسته است (بل، ۱۳۹۲: ۲۲۱).

#### ۱-۱-۴. ابزارهای آینده پژوهی

مطالعات آینده‌پژوهی در سه وجه قابل تفکیک است؛ نخست، وجه سینتاکتیک که تاکید بر روش‌شناسی دارد. دوم، وجه سمانتیکس که تاکید بر معنا و موضوعات آینده پژوهی است. سوم، وجه پراگماتیکس که تاکید بر نحوه تاثیر مطالعات آینده‌پژوهی بر تصمیمات، مدیریت و رهبری و تنظیم سیاست‌ها دارد. (بزرگی، ۱۳۸۸: ۱۴)

در این راستا تقسیم‌بندی روش‌های آینده پژوهی در گونه‌ها و براساس چینش مفهومی، نخبگانی و کمی و کیفی انجام شده است. این روش‌ها را در دسته‌های زیر می‌توان تقسیم‌بندی کرد: نخست؛ (پایش الگوهای نوظهور): این دسته دربرگیرنده روش‌های پایش، پیمایش، شبیه‌سازی و ردگیری است. فصل مشترک و پایه این روش‌ها، مفهوم غیرقابل پیش‌بینی بودن آینده است. از آنجایی که آینده از تعامل نیروهای فراوانی به وجود می‌آید بنابراین، یک پیش‌بینی نمی‌تواند با واقعیت‌های در حال دگرگونی مطابقت داشته باشد؛ از این رو فرایند سیاست‌گذاری باید منعطف و سیال باشد؛ ضمن این‌که اصل تغییر در مسیر آینده بسیار مهم است. پس بهترین شیوه آماده شدن برای آینده، پایش مستمر و دقیق تحولات و پیشرفت‌های فناوری، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی است.

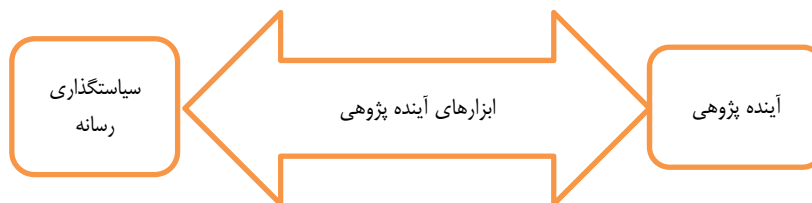
دوم؛ (برون‌یابی): برخلاف دسته قبل، در روش‌های برون‌یابی فرض می‌شود که آینده ادامه منطقی گذشته است و نیروهای پیشران کلیدی که غیرقابل تغییرند، به شیوه‌ای پیش‌بینی پذیر، مسیر رویدادهای آینده را تعیین می‌کنند. به عبارت دیگر آینده چیزی جز تعمیم گذشته نیست و با واژه‌ها و توصیف‌هایی همچون بهتر، بیشتر، بالاتر و قوی‌تر شناخته می‌شود.

سوم (تحلیل‌های چرخه‌ای): در این روش برای درک آینده، الگوهای مشابه در رخدادهای گذشته و تاریخی شناسایی می‌شود.

چهارم (تحلیل هدف): این دسته شامل مجموعه‌ای از روش‌ها همچون تحلیل محتوا، تحلیل تأثیر، تحلیل پروانه‌های ثبت اختراع و تحلیل سهام‌داران می‌شود. تقریباً در همه این روش‌ها فرض می‌شود که رخدادهای آینده از طریق اقدامات عامل‌های گوناگون شکل می‌گیرد.

پنجم (هم‌گرایی شهودی): بر این اساس بهترین شیوه برای تسلط بر آینده عبارت است از: گردآوری گسترده اطلاعات و سپس تکیه بر فرآیندهای ناخودآگاه و شهودی پردازش اطلاعات و در نتیجه دستیابی به بینش‌ها و راهکارهایی برای عمل. بسیاری از آینده پژوهان معتقدند که بسیاری از روش‌های آینده‌پژوهی دارای اهمیت و در نتیجه کاربرد بیشتری هستند. به عنوان نمونه ادوارد کورنیش در کتاب آینده‌پردازی همچنان بر تسلط منطق و علم بر آینده‌پژوهی اذعان دارد و با این باور، روش‌هایی همچون: پایش، تحلیل روند، پایش روند، پیش‌بینی روند، سناریوها، نظرسنجی، توفان فکری، مدل‌سازی و شبیه‌سازی، بازی‌ها، تحلیل تاریخی و چشم‌انداز را در زمره روش‌های معتبر آینده‌پژوهی برمی‌شمرد. (خزایی و محمودزاده، ۱۳۹۳: ۵۶)

به علاوه اینکه در آینده پژوهی سه لایه روش‌شناسی قابل تحلیل است؛ نخست روش‌هایی که مختص آینده پژوهی هستند؛ دوم روش‌هایی که در قلمرو دیگر رشته‌های دیگر نیز استفاده می‌شود و سوم روش‌هایی که به دانش آینده پژوهی مرتبط نیستند؛ در واقع تعداد روش‌های آینده پژوهی در متون مختلف بین ۳۰ تا ۵۰ مورد برآورد شده است که می‌تواند با علوم دیگر در تعامل و در اشتراک نیز باشند. در این راستا می‌توان به روش‌های کیفی همچون پس‌نگری، ذهن‌انگیزی، پانل شهروندان، پویش محیطی، مقاله‌ها، پانل خبرگان، کارگاه آینده‌پژوهی، بازی‌سازی، مصاحبه، مرور منابع، تحلیل ریخت‌شناسی، پرسش‌نامه‌ها، پیمایش‌ها، درخت ارتباطات، سناریونگاری و تحلیل سوات یا روش‌های کمی و نیمه کمی همچون: کتاب‌سنجی، مدل‌سازی، شبیه‌سازی، و برون‌یابی، تحلیل تأثیر متقابل، دلفی، فناوری‌های کلیدی، تحلیل چندمعیاره، نگاشت ذینفعان، ره‌نگاری اشاره کرد. (عرب بافرانی و عیوضی، ۱۴۰۰) بدیهی است که روش‌های مبتنی بر خلاقیت، خبرگی، تعامل و شواهد نه تنها پیش‌برنده علم آینده‌پژوهی هستند که نیازهای دیگر علوم همچون سیاستگذاری رسانه را نیز می‌توانند هموار سازند. (نصر اصفهانی، ۱۳۹۹)



چارچوب مفهومی

## ۲. پیشینه پژوهش

### ۲-۱. مطالعات داخلی

در حیطه موضوعی نوشتار حاضر، پژوهش‌های اندکی صورت گرفته است که البته به صورت ویژه وارد بررسی و معرفی ابزارهای آینده پژوهی نشده‌اند. بلکه به صورت کلی تنها به اهمیت آینده پژوهی و رویکرد آینده نگر در چرخه سیاستی تاکید کرده‌اند. از این رو پژوهش در زمینه ارتباط سیاستگذاری رسانه و آینده پژوهی بسیار اندک انجام شده است. به‌عنوان نمونه، حمید دهقانیان و حیدر نجفی رستاقی، در پژوهشی تحت عنوان «سیاستگذاری سواد رسانه‌ای مبتنی بر رویکرد آینده پژوهانه»، به اهمیت سواد رسانه‌ای و کاربرد سناریونویسی اشاره کرده است. مهدی رضایی قادی به‌همراه حسین رفیع در پژوهشی تحت عنوان «بررسی کاربردهای آینده‌پژوهی در سیاست‌گذاری عمومی»، با نگاه کلی تنها به ضرورت توجه به نگاه آینده‌نگرانه در مسیر سیاست‌گذاری تاکید کرده‌اند. داوود غرایق زندی در پژوهشی تحت عنوان «آینده پژوهی و سیاستگذاری عمومی: مفاهیم و روشها» کوشیده است دو ساحت آینده‌پژوهی و سیاستگذاری را روشن کند این پژوهش نیز به عنوان پیش‌مقدمه‌ای بر اهمیت ارتباط بین آینده‌پژوهی و سیاستگذاری محسوب می‌شود.

### ۲-۲. مطالعات خارجی

در گستره پژوهش‌های خارجی نیز پردازش موضوع آینده پژوهی به عنوان علمی نوپا است که در ارتباط با مقوله سیاستگذاری در قالب کلیات مورد توجه بسیار است. به‌عنوان نمونه، «لیوناید گوگیرگ» و همکاران در کتابی تحت عنوان «کاربرد آینده پژوهی برای سیاستگذاران» (Deploying foresight for policy and strategy makers) به بررسی مسیرهای ایجاد فرصت تعامل سیاستگذاری با علوم دیگر در راستای نوآوری می‌-



پردازند. «پیتر دلون»، در پژوهشی تحت عنوان «مطالعات آینده و سیاستگذاری»، (Future studies and policy) به بررسی ارتباط بین دانش آینده‌پژوهی و سیاست‌گذاری می‌پردازد. «سایتکس ونمن» در پژوهشی تحت‌عنوان «مطالعات آینده و عدم اطمینان در سیاست‌های عمومی» به اهمیت استفاده ابزار پیش‌بینی در سیاست‌گذاری تاکید می‌کند. «لیویا دیویل» و «ریکا لوکاس» در پژوهشی تحت‌عنوان «اهمیت سیاست‌گذاری در کشورهای دموکراتیک» به اهمیت آینده‌نگری و پیش‌بینی روندهای نوظهور و تهدیدهای آینده برای تقویت مقاومت در برابر آنها در یک محیط امنیتی فزاینده پیچیده و خطرناک تاکید می‌کنند. درموت دوهرتیا و همکاران در پژوهش: آینده‌پژوهی؛ یک داده مهم برای سیاست‌گذاری (Foresight, A significant input to policy) به اهمیت نگاه درون‌گر و استفاده از ابزارهای آینده‌پژوهی برای تصمیم‌سازی و مدیریت بحران دولت‌ها تاکید می‌کنند. در این مقاله تاکید می‌شود که در تمامی عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی و... آینده‌پژوهی می‌تواند راهگشا باشد. همچنین در این مقاله تاکید شده که آینده‌نگری، یک بستر اطلاعاتی سیستماتیک، فرایند عملی و بینش میان‌مدت و بلندمدت با هدف کمک به تصمیم‌گیری و بسیج اقدامات مشترک است. در این مقاله بر اهمیت بهره‌گیری از روش‌های آینده‌پژوهی همچون پویا محیطی و دیدگاه‌های خبرگانی تاکید شده است.

اولیویر داکووستا و همکاران در پژوهشی تحت عنوان «تاثیر آینده‌پژوهی بر سیاستگذاری عمومی»، (The impact of foresight on policy making) رویکردهای احتمالی برای تمرین دوراندیشی برای دستیابی بهتر به تأثیر هدفمند در سیاست‌گذاری را مورد بررسی قرار داده و دستورالعمل‌های نوظهور برای بهبود عمل دوراندیشی را ارائه می‌دهند. سایسا مائو و همکاران در پژوهشی تحت عنوان «به‌کارگیری آینده‌پژوهی در ترسیم سیاست‌ها» (Applying foresight to policy design) به این مسئله می‌پردازند که چگونه توجه و کاربرد آینده‌پژوهی می‌تواند توانایی سیاستگذاران را در امر تصمیم‌گیری بیشتر کند. مارکوس و همکاران در پژوهش: آینده-پژوهی برای سیاستگذاری، (foresight for policy and decision-makers) به این مسئله می‌پردازند که چگونه روش‌های آینده‌پژوهی فرصت‌هایی را برای تصمیم‌سازان ایجاد می‌کند تا بتوانند در بحران‌ها پرتوان‌تر عمل کنند.

آتिला هاواس و همکاران در پژوهشی تحت عنوان «تاثیر آینده پژوهی بر تحول سیاستگذاری» ( The impact of foresight on inovation policy making ) ابتدا با نگاه تاریخی تحول این دو علم را توضیح داده اند و سپس با ورود به بحث چالش‌های سیاست‌گذاری، به خدماتی که آینده پژوهی می‌تواند به سیاستگذاری ارائه کند، اشاره کرده‌اند. در این مقاله تاکید شده است که پیش‌بینی به عنوان یک ابزار تحلیلی آینده‌نگر متمایز، تکامل یافته است؛ چراکه می‌تواند آینده‌های جایگزین مختلف را در نظر گیرد. در مجموع پژوهش‌هایی که در حیطه آینده پژوهی و سیاستگذاری صورت گرفته، صرفاً تاکید بر کلیات است و اندک پژوهش‌هایی وارد مباحثی همچون روش‌ها و اهمیت آن و نیز در ارتباط با سیاستگذاری رسانه ورود کرده اند. در واقع، به صورت ویژه به حوزه روش‌ها و ظرفیت‌های آنها و نیز اهمیت بهره‌گیری سیاستگذاری رسانه از دانش آینده‌پژوهی نپرداخته‌اند. از این‌رو نوآوری این تحقیق در نوع نگاه به آینده‌پژوهی و سیاست‌گذاری و اهمیت بهره‌گیری از دانش آینده‌پژوهی در این حیطه از منظر روش‌ها و ابزارها است که تا به اکنون به‌صورت ویژه به آن پرداخته نشده است.

### ۳. روش پژوهش

روش تحقیق حاضر، کیفی، از نوع کاربردی با رویکرد توصیفی - تطبیقی است. راهبرد اصلی پژوهش، استقرایی و قلمرو موضوعی آن، پژوهش در حوزه روش‌های آینده پژوهی و سیاستگذاری رسانه است. روش مورد استفاده در این پژوهش، مطالعه کتابخانه ای است.

### ۴. آینده پژوهی و سیاست‌گذاری رسانه

از آنجاکه چارچوب سیاستگذاری رسانه نیازمند لحاظ رویکردهای پیش‌تدبیری است، آینده‌پژوهی هم به لحاظ محتوای معرفتی هم محتوای روشی و ابزاری می‌تواند خلاءهای سیاستگذاری رسانه را مرتفع سازد. این اعتقاد وجود دارد که تنوع و چندبعدی بودن پدیده‌های مورد مطالعه، محیط سیال و چند بازگیری عرصه سیاستگذاری ایجاب می‌کند که چرخه سیاستی در ارتباط با آینده‌پژوهی از ظرفیت روش‌های ترکیبی استفاده کند؛(کمالی، ۱۳۹۶) چراکه محیط سیاست‌گذاری محیطی پیچیده، اتفاقی و پیش‌بینی-

ناپذیر است و چالش سیاست‌گذار این است که این محیط نااطمینان را ثبات دهد. (مولر، ۱۳۸۳: ۵۰)

به طور معمول نیز شاکله سیاست‌گذاری رسانه با وجود تعریف مدل‌های کاربردی، در چرخه صورت‌بندی مسئله، تدوین راهکار، اجرا و ارزیابی قابل تعریف می‌گردد. بدیهی است که سیاست‌گذار رسانه زمانی با مسئله مواجه می‌شود که پدیدآمده است. به این صورت که سیر وقوع اخبار و پدیده‌ها سریع رخ می‌دهد، از این روسیاستگذار دچار غافلگیری می‌شود.

البته در عرصه رسانه اینگونه بیان می‌شود که غافلگیری جزء ذات بینشی سیاست‌گذاری است و همواره چالش محسوب می‌شود. درحالی که اگر رویکرد آینده‌نگرانه در پیش‌بینی مسائل لحاظ شود امکان ارایه راهکارها بهینه‌تر خواهد شد. می‌توان گفت آینده‌نگری و مطالعات آینده‌پژوهانه به سیاستگذار قدرت عملگرایی بیشتری خواهد داد که در کنار رویکرد ذهنی‌گرایی بتواند تجسم و تصور بهتری از آینده داشته باشد.

ضمن اینکه عمل‌گرایی توأم با هوشمندی در آینده‌پژوهی موجب مطلوبیت، اثربخشی و موفقیت در آینده خواهد شد. پس ویژگی کنش‌گرایانه آینده‌پژوهی به لحاظ ماهیت این علم شرایط را به گونه‌ای در خواهد آورد تا سیاستگذاران با هوشمندی به استقبال آینده بروند و مانع از غافلگیری و از دست دادن فرصت‌های آینده شوند.

## ۵. روش‌های آینده‌پژوهی به‌مثابه ابزارهای سیاست‌گذاری رسانه

بسیاری از پژوهشگران به این مسئله قائل هستند که ارتباط بین آینده‌پژوهی و سیاست‌گذاری نیاز به هیچ نظریه و اساس نظری یا نظام معنایی ندارد و تنها راهبردها و روندها یا تعیین سناریوها می‌توانند موثر باشند. (فریددمن، ۱۳۸۲: ۴) در واقع، این نگاه سطوح ارتباط بین سیاست‌گذاری و آینده‌پژوهی را تنها به ابزارها و روش‌ها تقلیل می‌دهند. این تحلیل از ارتباط علوم سیاستی با آینده‌پژوهی به این دلیل است که رویکردهایی همچون رسانه در بستر سیاست‌گذاری نیازمند چارچوب کاربردی و ابزارشناسی برای صورت‌بندی چرخه بهینه‌سیاستی هستند. در واقع در کنار لحاظ نظام

گفتمان و معنایی آینده‌پژوهی، ابزارهای این دانش بیشتر می‌توانند برای سیاستگذاری رسانه کارآمد تلقی شوند.

با این حال حفظ همگرایی در سطح سیاستگذاری نیازمند ارتباط مناسب ابزارها با روش‌ها و روش‌ها با ارزش‌ها و نیز ایده‌های سیاستگذاران است. ضمن اینکه تغییر ابزارها و روش‌ها لزوماً به معنی تغییر اهداف اصلی نیست. به این معنی که ممکن است گاه ابزارها به دلایل مختلفی کارایی خود را در دستیابی به اهداف از دست بدهند و از این‌رو سیاستگذار، ابزار دیگری را جایگزین کند. (ملک محمدی و کمالی، ۱۳۹۴)

در این زمینه روش‌های آینده‌پژوهی می‌توانند به تکمیل کاستی‌ها و نیازهای سیاستگذاری کمک کند. یکی از راه‌های بهره‌مندی از روش‌های آینده‌پژوهی در سیاستگذاری رسانه، تطابق روش‌ها با هر کدام از مراحل چرخه سیاستگذاری است. به عنوان نمونه، براساس تطبیق وُروس می‌توان در مرحله ارزیابی مسئله و پدیده از روش پایش و دلفی بهره گرفت. همچنین در مرحله تدوین گزینه‌های سیاستی می‌توان از روش تحلیل روند، تفکر سیستمی، تحلیل لایه‌ای، سناریوها، چشم‌اندازسازی، پس‌نگری و نقشه راه استفاده کرد.

هورتون نیز در مرحله طرح مسئله، روش‌های پایش و پیمایش، سناریوها، تحلیل تاثیر متقابل و در ارزیابی‌ها روش نقشه راه، سناریوها و چشم‌انداز را معرفی می‌کند. اما ساریتاس در تناظر فرایند سیاستگذاری با روش‌های آینده‌پژوهی، مجموعه کامل‌تری از به کارگیری روش‌ها را یادآوری کرده است. به گونه‌ای که در مرحله تشخیص مسئله، روش‌های پایش، تجزیه و تحلیل و داده‌کاوی، در مرحله تدوین سیاست‌ها از سناریوسازی و چشم‌اندازسازی، در اجرای سیاست‌ها از تحلیل SWOT و برنامه‌ریزی استراتژیک و در ارزیابی سیاست‌ها از روش دلفی، پس‌نگری، ارزیابی ریسک، مصاحبه و بازبینی سیاست‌ها بهره گرفته است. (قرونه و همکاران، ۱۳۹۵)

باید در نظر داشت که قالب سیاستگذاری رسانه در بستر هر مدلی که به کار گرفته شود نیازمند بررسی ناپیوستگی‌ها و عدم اطمینان‌هایی است که البته می‌تواند آینده پژوهی به عنوان یک علم مکمل سیاستگذاری این ناهموازی‌ها را در مورد موضوعات سیاستی گوشزد کند. به نظر می‌رسد که یکی از خلاءهای سیاستگذاری در این زمینه نبود مرحله‌ای تعیین شده پیش از هر مرحله از چرخه سیاستگذاری است. به این معنی

که قبل از تعیین مسئله نیاز به مرحله ارزیابی مسائل، قبل از مرحله تدوین سیاست نیاز به مرحله پیش تدوین سیاست یا پیش ارزیابی سیاست‌ها است و پیش از مرحله اجرا نیاز به مرحله پیش ارزیابی اجرا یا آزمایشگاه اجرای سیاست‌ها است.

## ۶. ظرفیت‌های ابزاری آینده پژوهی در سیاستگذاری رسانه

بررسی ادبیات نظری در حوزه روش‌ها و ابزارهای آینده پژوهی موید چارچوب قابل دفاعی است که می‌تواند در عرصه سیاستگذاری رسانه مورد استفاده باشد. سه کارکرد: آگاه‌سازی سیاستی، مشاوره سیاستی و تسهیل سیاستی نشان از اهمیت نقش آینده پژوهی در سیاست‌گذاری رسانه دارد. در واقع، مجموعه گسترده‌ای از فنون و روش‌ها در آینده پژوهی وجود دارد که از حیث کمی، کیفی یا شبه کیفی بودن و هنجاری و اکتشافی بودن مورد توجه هستند. (عرب بافرانی و عیوضی، ۱۴۰۰). بدیهی است که این روش‌ها در چارچوب‌های مفهومی متعدد در گستره سیاستی قابل کاربرد هستند و حتی مکمل و جهت‌ده برای الگوهای مدنظر سیاست‌گذاری می‌توانند، دانسته شوند. ممکن است این موضوع از جانب سیاستگذاران و آگاهان عرصه رسانه مطرح شود که پارادایم قالب بر چرخه سیاستی رسانه، چند وجهی، تحولی و سریع و متنوع و متکثر است و از این‌رو روش‌های بروز و جدید باید در قالب سیاستگذاری رسانه از جانب آینده پژوهی به کار گرفته شود. در این راستا، باید گفت بخش قابل توجهی از روش‌های آینده پژوهی در پارادایم‌های اثباتگرایی و پسااثباتگرایی قرار می‌گیرند. (نصر اصفهانی و همکاران، ۱۳۹۹) و کاملاً قابل تطبیق با نیازهای عرصه سیاستی رسانه هستند؛ به عنوان نمونه، روش‌های تحلیل اثرات روند، تحلیل تاثیرات متقابل، مدل‌سازی آماری، مدل‌سازی عامل، تحلیل جایگزینی و متن‌کاوی در پارادایم اثباتگرایی و روش‌های دلفی و تصمیم‌سازی در پارادایم پسااثباتگرایی تعریف می‌شوند.

در پارادایم برساختگرایی نیز روش‌هایی همچون سناریوها، ره‌نگاشت و چشم‌انداز قابل بررسی هستند. با این حال آنچه در مسیر و چرخه سیاستی مهم تلقی می‌شود انتخاب نوع روش آینده پژوهی و کارآمدی آن است که بستگی به نوع کنش سیاستی سیاستگذار دارد. از آنجایی نیز که سیاستگذاران رسانه ساختارهای خبر و بستر صورت-

بندی روند و مسئله را مدنظر قرار می‌دهند به طور معمول چند روش از ابزارهای آینده پژوهی در قالب آمیخته می‌تواند برای آنها موثر باشد.

بنابراین باید یک کارآفرین سیاستی و کارآفرین آینده پژوهی وجود داشته باشد که با مطالعه دقیق طرح سیاستی جامع‌ترین و عینی‌ترین ابزار تحلیل را برگزیند. باید در نظر گرفت که چرخه سیاستگذاری پیش از آنکه یک محاسبه عملیاتی باشد یک فرآیند بررسی عقلانی، مباحثه و انتقاد است. (کوپن بی و لاریمر، ۱۴۰۰: ۹۳) با این حال، دلئون، علوم سیاستی را اسیر دو رویکرد غالب، یعنی سودگرایی و عقلانیت لیبرالی می‌داند و از آن جایی که سودگرایی تکیه بر داده‌ها دارد پس به ناچار عوامل انسانی را نادیده گرفته می‌شود. (دلئون، ۱۹۹۷: ۵۳) این در حالی است که جامعیت ابزارهای آینده‌پژوهی می‌تواند برای این نقیصه موثر باشد. فیشر نیز معتقد است که ارزیابی سیاستی، به طور معمول اقدامی عملی است که از طیف گسترده‌ای از روش‌ها برای شناسایی و جداسازی رابطه عقلانی بین یک سیاست یا برنامه و یک نتیجه هدف استفاده می‌کند. از این رو در تحلیل سیاستگذاری رسانه باید رویکرد چند روش‌شناختی به کار گرفته شود. (فیشر، ۱۹۸۰: ۱۱) بدیهی است که بهره‌گیری از روش‌های آینده پژوهی به عنوان ابزار سیاستگذاری نوعی اتفاق هدف در این عرصه به وجود می‌آورد و چرخه سیاستگذاری آینده‌نگر را محقق می‌شود. این گونه است که اگر در چرخه سیاستگذاری سوال این است که چه باید بکنیم؟ در چرخه سیاستگذاری آینده‌نگر این سوال مطرح می‌شود که ما چه کاری انجام داده ایم؟ و چه در پیش روی ماست؟

در مجموع، در چرخه سیاستگذاری رسانه، آنچه مورد نظر است پرداختن به پیش-بینی آینده، مدیریت آینده و خلق آینده است. البته در این چارچوب، روش‌های آینده پژوهی با خاصیت آمیختگی می‌توانند موثر باشند. البته انتخاب نوع روش‌ها، به نوع مسئله و نوع مواجهه سیاستی بستگی دارد؛ به عنوان نمونه، در بررسی کلان روندهای تهدیدزا در بستر فیک نیوزها یا اخبار جعلی، نیاز به ارزیابی یکپارچه است تا جایی که روش‌های پیمایشی و زمینه یاب، تحلیل اثر متقابل، پانل خبرگانی، تحلیل درون داد، طوفان فکری، روندیابی و سناریونگاری و حتی تحلیل لایه‌ای علت‌ها می‌توانند موثر باشند.

در واقع پیش‌نیاز بهره‌گیری از روش‌های آینده پژوهی در عرصه سیاستی رسانه نیاز به خلاقیت، تصور و منطق‌نگاری دارد. (عرب بافرانی و عیوضی، ۱۴۰۰) می‌توان گفت،

مجموعه‌ای از روش‌ها در بستر اثبات‌گرایی، پسااثبات‌گرایی و نگاه انتقادی در شاکله سیاستی موثر هستند که وابسته به نوع گزینش ابزارها از جانب سیاستگذار دارد. با وجود این تأکیدات، چند نکته در ارتباط بین بهره‌گیری از روش‌های آینده پژوهی به عنوان ابزار سیاستگذاری وجود دارد؛

نخست اینکه، ابزارها و روش‌های آینده پژوهی، قدرت مفهوم‌سازی از مسئله را برای سیاستگذار رسانه به همراه دارند. در واقع سیاستگذار را از تک بعد نگری که حاصل کاربرد صرف مدل‌های سیاستی است، می‌رهاند و قدرت جامع‌نگری، آینده‌نگری و مفهوم‌سازی گسترده از مسئله به سیاستگذار می‌دهد. ضمن اینکه کاربست روش‌های آینده پژوهی در شاکله سیاستی می‌تواند به سیاستگذار نوعی جهت‌گیری دهد که در قالب آن مفهوم‌سازی از مشکل، عینی‌تر باشد؛ چرا که انتخاب صرف مدل‌های سیاستگذاری، فضایی معکوس از موضوع یا غیرواقعی از آن را ترسیم می‌کند.

این خاصیت در دنیای امروز که مسائل پیچیده و نوظهور تلقی می‌شوند شدت بیشتری دارد. این درحالی است که ابزارها و روش‌های آینده پژوهی مسائل را ساده‌سازی و عینی‌سازی می‌کنند. شاید یکی از دلایلی که باعث شده قرائت از دانش آینده پژوهی به عنوان ابزار و روش بیشتر شود به دلیل تنوع این ابزارها و روش‌ها باشد. به ویژه که ابزارها و روش‌های کارآمد آینده پژوهی، گستره عدم قطعیت‌ها را کاهش می‌دهد. این خاصیت به دلیل هم‌درهم‌گیری و آمیختگی ابزارهای آینده پژوهی و هم‌زمانی کاربرد ابزار و روش‌ها در کنار رویکرد آینده‌نگرانه است. این درحالی است که به نظر می‌رسد برخی از روش‌های آینده پژوهی مشابه ابزارهای تحقیق و کاوش در بدنه علوم اجتماعی هستند اما اینگونه نیست. این روش‌ها خاص دانش آینده پژوهی است؛ چرا که کاربرد روش‌ها و ابزارهای آینده پژوهی هم‌زمان با کاربست رویکرد آینده پژوهانه است.

در واقع این رویکرد آینده پژوهانه است که در کالبد ابزارها در گستره کاوش موضوع و مسئله‌ای، معنادهنده و جهت‌دهنده است. بدیهی است که کاربرد روش‌ها و ابزارهای آینده پژوهی در حل مسائل، میزان عدم قطعیت‌ها را کاهش می‌دهد. این درحالی است که در گستره سیاست‌گذاری، اتکا بر مدل‌های سیاستی نمی‌تواند دامنه عدم قطعیت‌ها را کاهش دهد. در واقع از آنجا که بیشتر مدل‌های سیاستگذاری، خاصیت دستوری و هنجاری دارند این امر باعث می‌شود که تمامی زوایای مسائل را نتوان در شاکله سیاستی

بررسی کرد. در نهایت میزان عدم قطعیت‌ها در این حالت نه تنها کمتر نمی‌شود که بیشتر هم هست. بنابراین مدل‌های سیاستگذاری به تنهایی نمی‌توانند بستر حل مسئله سیاستی را پوشش دهند. ضمن اینکه اتکای صرف به مدل‌های سیاستگذاری نوعی تک بعد نگری و درهم نگری را در بستر حل مسئله و چرخه سیاستگذاری به وجود می‌آورد.

دوم اینکه، مدل‌های سیاستگذاری قدرت بروزرسانی کمتری دارند. از آنجا که این مدل‌ها در قالب نوع تفکر و مکتب مسلط شکل گرفته اند از این رو نمی‌توانند همراه با زمان بروزرسانی شوند. ضمن اینکه خاصیت پیچیدگی مسائل در دنیای امروز می‌طلبد که برای حل مسائل سیاستی و راه‌حل یابی، مفهوم سازی از مسئله صورت گیرد. در واقع باید مسائل ابتدا کاوش، چالش‌یابی و مفهوم‌سازی شوند تا بتوانند در زنجیره سیاستی به راه حل یا گفتمان یا پارادایم مسلط برسند. این زنجیره بدون ابزارهای آینده پژوهی غیرممکن است. به علاوه، سیاست‌گذاران امروز برای حل مسائل عمقی و ریشه‌ای نیازمند آینده‌اندیشی هستند. در واقع در زمانه کنونی به دلیل سرعت تحولات، آینده در دسترس سیاستگذار است. بدیهی است که آینده دور و غیر محتمل در عین واقعی بودن می‌تواند غیر واقعی و دستکاری شده نیز باشد اما آینده در دسترس، محتمل و عینی‌تر است.

سوم اینکه روش‌های آینده پژوهی با وجود داشتن خاصیت آمیختگی می‌توانند مسائل پیچیده را در مدت زمان کمتری برای سیاستگذار ساده‌سازی کنند. همزمان با این ساده‌سازی از دامنه‌های هنجاری و دستوری بودن سیاستگذاری نیز کاسته می‌شود. در واقع خاصیت آمیختگی ابزارهای آینده پژوهی می‌تواند بُعد توصیفی به عرصه سیاستی دهد. چهارم اینکه، در چرخه سیاستگذاری برخی از مسائل نیاز به بازآفرینی و چند بار پردازش دارند. در واقع یک مسئله چندین بار در چرخه سیاستی قرار می‌گیرد که البته هزینه‌ساز است. در حالی که خاصیت آمیختگی در ابزارهای آینده پژوهی این مسیر هزینه‌ساز را حذف می‌کند. (عیوضی، ۱۳۹۵: ۲۲) به عنوان نمونه می‌توان با ترکیب روش‌های شبیه سازی، آزمایشگاه سیاستی و دلفی سیاستی این مسیر را حذف کرد. ضمن اینکه در عرصه سیاستگذاری، پرداختن به مسائل روزمره، سیاستگذار را از پرداختن به مسائل بنیادی غافل می‌کند و گاه مسائل درجه دوم در اولویت سیاستی قرار می‌گیرد و این مسئله خود چرخه سیاستی را دچار چالش می‌کند. در حالی که خاصیت آمیختگی ابزارهای آینده



پژوهی می‌تواند مسائل کارکردی، درجه دوم و بنیادی را در سیاست‌گذاری طبقه‌بندی کند.

نکته مهم اینکه ساده‌سازی مسائل در چرخه سیاستی، گاه باعث پاک شدن مسئله و عدم صورت‌بندی موثر مسئله می‌شود. در این راستا، ابزارهای آینده‌پژوهی با خاصیت آمیختگی این امکان را از بین می‌برند؛ چرا که دایره تحلیل سیاستگذار از موضوع سیاستی باز می‌شود و از این رو هر چه روش و ابزار کارآمد باشد روند ساده‌سازی مسئله به خوبی انجام می‌شود. این خاصیت ابزارهای آینده‌پژوهی باعث انس حکمرانان با ادبیات سیاستگذاری نیز می‌شود؛ چرا که روش‌های آینده‌پژوهی مفاهیم را قابل فهم نیز می‌کنند.

نکته دیگر اینکه، یکی از خلاءهای عرصه سیاستی، این است که تمرکز سیاستگذاری، بر عینیات و حل مسئله موجود است؛ در حالی که آینده‌پژوهی معمولاً آینده‌های نیامده، خلق آینده و تصویرسازی آینده را دربر می‌گیرد. این به معنی ذهنی و آرمانی بودن آینده پژوهی نیست؛ بلکه به معنی قدرت و دایره پیش‌بینی در عرصه آینده پژوهی است. ضمن اینکه حتی ابزارهای آینده‌پژوهی سطوح ذهنی و انتزاعی را از بستر سیاستی دور می‌کنند. در واقع نوعی سیاست‌گذاری عقلانی را ترسیم می‌کند که واقع‌گرا نیز هست و چرخه قدرتمند سیاستی را شامل می‌شود. در واقع آینده‌پژوهی نگاه فانتزی و آرمانی به مسائل را تعدیل می‌کند.

در نظر بگیریم که جوامع در حال گذار به طور معمول دارای مسائل پنهانی هستند که سیاستگذاران آنها را لمس نکرده‌اند. یکی از دلایلی نیز که در جوامع در حال گذار شورش‌های برق‌آسا رخ می‌دهد یا نهضت‌های زودگذر شکل می‌گیرد مسائل حل‌ناشده یا لمس‌نشده پنهان هستند. این موضوع مطرح می‌شود که سیاستگذاران در جوامع شورشی و اعتراضی امکان حل مسائل را ندارند و تداخل مسائل اجازه تفکیک و بازرسی از آنها را نمی‌دهد. این در حالی است که این جوامع بیش از جوامع مدرن نیازمند آینده‌پژوهی هستند. آینده‌پژوهی، دانش مدرنی است اما صرفاً برای جوامع مدرن نیست که البته برای جوامع در حال گذار و عقب‌مانده نیز کارآمدتر محسوب می‌شود.

## ۷. ابزارهای رسانه محور در آینده پژوهی

تنوع روش ها و ابزارهای آینده پژوهی تا آنجاست که می توان تقسیم بندی های گوناگونی از آنها داشت و برحسب نیاز چرخه سیاستی از آنها بهره گرفت. به عنوان نمونه برخی روش های آینده پژوهی قابلیت کاربرد در عرصه رسانه و نیز سیاستگذاری رسانه را دارند؛ در واقع رسانه محور هستند. کاربرد این روش ها در چرخه سیاستی رسانه شامل: بررسی رسانه ها، تشکیل گروه های روندشناس، تحلیل کلیدواژه ها و تحلیل محتوا است. ضمن اینکه این روش ها بیشترین قدرت را به سیاستگذار رسانه ای می دهد تا نسبت به خلق، مدیریت، و تصویرسازی از آینده اهتمام داشته باشد. زمانی نیز که سیاستگذار رسانه دارای قابلیت آینده نگری باشد می تواند در بستر فراخبر و تحلیل پدیده ها قوی تر عمل کند. برخی از این روش ها همچون شبیه سازی و الگوسازی می توانند زمینه ایجاد آزمایشگاه سیاستی رسانه را نیز به وجود آورند. این آزمایشگاه سیاستی نوعی اتاق فکر پردازش خبر و سنجش افکار عمومی است که در چارچوب آینده نگری راهبردی می تواند بسیار اثرگذار باشد یا روش روندپژوهی در تعریف و یافتن علل خبر و پدیده، روش پس-نگری و سناریونویسی در ارزیابی پیامدهای خبری و بازخورد افکار عمومی قبل از خبرسازی و روش دلفی که در درک بدیل های آینده خبری قابل بهره گیری هستند. ضمن اینکه تقویت ارتباط آینده پژوهی با سیاستگذاری رسانه بستر تصویرسازی را قدرت می دهد. تصویرسازی از آینده از اصول آینده پژوهی است که بسیار جذاب و پرکاربرد می باشد. در ادامه برخی از مهم ترین روش های رسانه محور در عرصه آینده پژوهی را معرفی کرده ایم؛

ابزارها	ویژگی ها
روش دیدبانی	پایش مستمر اخبار جهانی، منطقه ای و ملی بر پایه منابع مختلف
تحلیل روند	مطالعه یک روند مشخص به منظور کشف چیستی دلایل بروز، توسعه و پیامدهای احتمالی آن
پس نگری	ترسیم چشم انداز از آینده یک رویداد یا پدیده و بستر سازی رسانه ای برای رسیدن به آن چشم انداز
پایش روند	پایش دقیق روندهای موجود و باهمیت در فضای رسانه ای
برون یابی روند	جهت یابی روندهای آینده رسانه ای، روندهای فعلی و تغییرات فعلی
توسعه و تحلیل	تجسم و بازنمایی خبرهای ممکن بر پایه دانسته ها و تصورات

ابزارها	ویژگی ها
سناریونویسی	دریافتن نتایج و پیامدهای احتمالی اخبار و رویدادها
الگوسازی	بارآفرینی اخبار و رویدادها با استفاده از روش های کمی همچون تحقیق در اخبار ، اقتصادسنجی، پویایی های سیستم
شبیه سازی	بهره گیری از تصاویر برگرفته از واقعیات براساس الگوهای ایستا و پویا از اخبار
تحلیل تاریخی	شناخت اخبار گذشته و تحلیل علل وقوع آنها و تبیین چشک اندازی برای احتمال بروز مجدد آن پدیده ها و خبرها
تعاطی افکار	کسب نظر خبرگان درباره مسائل و اخبار
چشم انداز پردازی	ترسیم افق و مسیرهای اتفاق نظر درباره موضوعی درباره آینده
مطالعات ترازایی	دنبال کردن بخش های تکمیلی اخبار گذشته و حال در آینده
روش دلفی	کسب آرای خبرگان درباره کلان روندهای خبری به وسیله پرسشنامه
روش پانل	کسب آرای خبرگان بین ۳ تا ۱۸ ماه درباره آینده پدیده ها و خبرها و واکنش های احتمالی
ره نگاشت	روشی برای شناسایی راهبردهای رسانه ای که زمینه شکل گیری سناریوها می تواند باشد
درخت وابستگی	روشی برای نمایش مراحل چندگانه و ساختاری اخبار و پدیده ها با هدف کشف روابط پنهان اخبار و جریان شناسی خبری
پویش محیطی	این روش هشدار و سیگنال های ضعیف را شناسایی می کند و کاربرد آن می تواند بستر پایش اخبار در شاکله های بلندمدت در محیط های بی ثبات را میسر کند.
تحلیل لایه ای علت ها	این روش برای تفسیر اخبار بسیار مفید است تا جایی که می توان پدیده و خبر را در چهار سطح عینی، اجتماعی، گفتمانی و اسطوره مورد بررسی قرار داد
تحلیل محتوا	واکاوی متن، محتوا که می تواند در قالب تحلیل مضمون، رویکردهای نظری داده بنیاد، تفسیر چندجانبه خبر و پدیده ها موثر باشد.
متن کاوی	گونه ای از تحلیل محتوا است که بخش تفسیر را در رسانه تقویت می کند.
تحلیل سوات (SWOT)	پردازش و تحلیل تهدیدات، فرصت ها، ضعف ها و قوت ها است که در سیاستگذاری راهبردی رسانه موثر می باشد.

لازم به ذکر است که روش های آینده پژوهی قدرت برورسانی دارند و انعطاف در این ابزارها می تواند آنها را به عنوان کارآمدترین روش ها در عرصه سیاستگذاری رسانه تبدیل کند. ضمن اینکه فعالان عرصه رسانه به موازات سیاستگذاران رسانه ای نیز می توانند مجهز به این ابزارها برای داده پردازی و داده کاوی رسانه ای شوند؛ چراکه مفاهیم، گزاره ها و ابزارهای آینده پژوهانه به باز شدن فضای ذهنی سیاستگذاران رسانه ای کمک می کند.

با این حال باید در نظر گرفت که گاه خلاءهای چرخه سیاستگذاری مانع بهره‌گیری از دانش آینده‌پژوهی در بستر سیاستگذاری می‌شوند و گاه عدم بهره‌گیری از آینده‌پژوهی و بی‌توجهی به ظرفیت‌ها و فرصت‌های آن، ایجادکننده نقصان و خلاءهای چرخه سیاستی است. بنابراین باید در طرح موضوع بهره‌گیری از ظرفیت‌های ابزاری آینده‌پژوهی در سیاستگذاری رسانه، دو چالش را مورد بررسی و ارائه راهکار قرار داد؛ نخست عدم آشنایی، عدم باورپذیری و بی‌توجهی سیاستگذاران رسانه به دانش آینده‌پژوهی و دوم عدم پردازش و نهادینگی علمی آینده‌پژوهی در راستای استفاده بهینه سیاستگذاران از آن.

با توجه به فرصت‌ها و ظرفیت‌های دانش آینده‌پژوهی در بستر ابزارها و روش‌ها پیشنهاد می‌شود که برای آشنایی عرصه سیاستی با ادبیات این علم، نهادینگی علمی آینده‌پژوهی در سطوح دانشگاه‌ها و اندیشکده‌ها با توسل به تولید محتوای مرتبط در این عرصه باید بیش از پیش پی گرفته شود. همچنین تولید برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی در زمینه آینده‌پژوهی و سیاستگذاری می‌تواند در این راستا بسیار موثر واقع شود. تاسیس فصلنامه‌های مرتبط با آینده‌پژوهی و سیاست‌گذاری رسانه با هدف رشد محتوای غنی در این عرصه می‌تواند قابل بررسی باشد. در مجموع، تولید محتوای آموزشی با استفاده از اساتید صاحب‌نظر و نشر در بازار با هدف تقویت ادبیات علوم بین‌رشته‌ای و از بین بردن محتوای غیرموثر بازاری و عوام‌پسند بستر مهمی است که در راستای پیوند دو علم بین رشته‌ای سیاستگذاری و آینده‌پژوهی باید در نظر باشد. این مهم می‌تواند زمینه پیوند و بهره‌گیری بهینه از دانش آینده‌پژوهی در چارچوب سیاستی را هموار سازد.

## نتیجه‌گیری

در این نوشتار تلاش شد تا آینده‌پژوهی به عنوان دانشی کاربردی در پیوند با سیاستگذاری رسانه معرفی شود. همچنین ابزارها و روش‌های موثر در بستر این علم به عنوان ظرفیتی برای رفع خلاء سیاستگذاری رسانه مورد پردازش قرار گرفت. این نکته در محوریت نوشتار مورد تاکید است که چرخه سیاستگذاری رسانه دارای نقص‌های عملکردی می‌تواند باشد که بخشی از جانب سیاستگذاران و بخشی به دلیل ذات چرخه سیاستی است که می‌تواند در دیگر رویکردهای سیاستگذاری نیز دیده شود؛ مواردی

همچون: غافلگیری سیاستگذاران نسبت به تحلیل پدیده‌ها و چالش‌ها، عدم درک مسئله و در نظر نگرفتن عدم قطعیت‌ها که همگی می‌توانند به عنوان نقص و خلاء محسوب شوند. در این راستا آنچه مورد بحث قرار گرفت، اهمیت ابزارهای آینده پژوهی برای رفع خلاءهای چرخه سیاستی رسانه است. ضمن اینکه برخی از روش‌های پرکاربرد و موثر در بستر دانش آینده پژوهی معرفی شد. از مزیت‌های این پژوهش تلاش برای پیوند بین دانش آینده پژوهی و سیاستگذاری رسانه به عنوان علمی بین رشته‌ای و فرارشته‌ای است که این پیوند به طور قطع می‌تواند در رفع چالش‌ها و خلاءهای چرخه سیاستی موثر باشد. با این حال در راستای استفاده بهینه از ظرفیت‌های دانش آینده‌پژوهی در سیاستگذاری رسانه باید بستر استفاده از این دانش مهیا باشد. این اعتقاد وجود دارد که برخی سیاستگذاران هنوز دانش آینده پژوهی را نمی‌شناسند یا عقیده‌ای به کاربرد محور بودن آن ندارند یا وجود خلاء در چرخه سیاستی رسانه را در نظر نمی‌گیرند. این مسائل به دلیل ذات رسانه نیز می‌باشد که در عین ایستایی سیاست‌های کلی متصور در آن، دارای چارچوب تحولی و تحول‌گونه است که پیش‌بینی شهودی اخبار و پدیده‌ها را متقن‌تر از کاربرد علمی روش‌های آینده پژوهی، جلوه می‌دهد. با این حال در این نوشتار، راهکارهایی برای رفع چالش‌های بهره‌گیری از دانش آینده پژوهی در بستر سیاستگذاری رسانه پیشنهاد شد که در برگیرنده مواردی همچون: تولید محتوای علمی موثر بین آینده پژوهی و سیاستگذاری رسانه و بسترسازی برای آشنایی سیاستگذاران با ابزارها و ادبیات آینده پژوهی است.

## منابع

- اشتریان، کیومرث (۱۳۸۶) *سیاست‌گذاری عمومی ایران*، تهران: نشر میزان.
- اسلاتر، ریچارد، همکاران (۱۳۸۶) *نواندیشی برای هزاره نوین؛ مفاهیم، روش‌ها و ایده‌های آینده‌پژوهی*، تهران: مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری دفاعی، مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی.
- بزرگی، محمدرضا (۱۳۸۸) *روش‌های پژوهش در حوزه آینده‌پژوهی*، کتاب ماه علوم اجتماعی شماره ۱۴
- بل، وندل (۱۳۹۲) *مبانی آینده‌پژوهی: تاریخچه، اهداف و دانش*، ترجمه مصطفی تقوی و محسن محقق، تهران: انتشارات موسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی.
- خزایی، سعید؛ محمودزاده، امیر (۱۳۹۳) *آینده‌پژوهی*، نشر علم آفرین اصفهان.
- دانایی فرد، حسن، حیدری، محمد مهدی، عادل آذر و رحمت الله قلی پور (۱۳۹۴) *فهم خاتمه خط مشی‌های عمومی در ایران*، پژوهشی بر مبنای نظریه داده بنیاد»، *اندیشه مدیریت راهبردی*، سال نهم، (۱)، صص ۸۴-۱۲۲.
- روشندل اربطانی، طاهر (۱۴۰۰) *پژوهشی بنیادین در حوزه مفاهیم نظری سیاست‌گذاری رسانه‌ای*، مدیریت دولتی، دوره ۷، (۳)، صص ۵۰۸-۴۸۱.
- عیوضی، محمدرحیم (۱۳۹۵) *آینده‌پژوهی سیاسی، فصلنامه راهبرد، سال بیست و پنجم*، (۷۹)، صص ۳۲-۱۳.
- عیوضی، محمد رحیم (۱۳۸۵) *تحلیلی بر ایده ضرورت تولید علم و دانش در ایران اسلامی*، *فصلنامه سیاست*، (۷۱)، صص ۱۶۳-۱۸۶
- عیوضی، محمد رحیم و پدرام، عبدالرحیم (۱۳۹۰). *نقش آینده پژوهان در شکل‌گیری آینده پژوهی اسلامی. فصلنامه انتظار موعود*، سال ۱۱، (۳۶)، صص ۳۵-۱۲.
- عرب بافرانی، محمدرضا، عیوضی، محمدرحیم (۱۴۰۰) *مطالعه تطبیقی گونه‌شناسی‌های روش در آینده پژوهی*، *نشریه آینده پژوهی انقلاب اسلامی*، سال ۲، (۱) صص ۳۶-۷.
- فریدمن، لارنس، (۱۳۸۲) *آینده مطالعات استراتژیک در استراتژی جهان معاصر*، ترجمه کابک خبیری، تهران: ابرار معاصر.
- قلی پور، رحمت الله، غلام پور آهنگر، ابراهیم، (۱۳۹۳) *فرآیند سیاست‌گذاری عمومی در ایران*، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- قرونه، حسن و همکاران (۱۳۹۵) *طبقه بندی ابزارهای پیش‌ارزیابی سیاست با رویکرد آینده پژوهی*، *فصلنامه سیاست‌گذاری عمومی*، دوره ۲، (۲)، صص ۱۴۱-۱۱۹.

- کوبین بی. اسمیت، دابلیو. لاریمر کریستوفر (۱۴۰۰) *درآمدی بر نظریه خط مشی عمومی*، ترجمه حمید زارع و حسام خضرای حاذق فکر، تهران: موسسه انتشارات دانشگاه تهران، چاپ نخست.
- کمالی، یحیی (۱۳۹۶) *روش شناسی فراترکیب و کاربرد آن در سیاستگذاری عمومی، فصلنامه سیاست*، دوره ۴۷، (۳)، صص ۸۳۲-۷۳۶.
- گوردن، آدام، (۱۳۹۲) *فهم آینده*، ترجمه طیبه واعظی، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- مولر، پیر، (۱۳۷۸) *سیاستگذاری عمومی*، ترجمه حمیدرضا ملک محمدی تهران: دادگستر.
- ملک محمدی، حمیدرضا، کمالی، یحیی (۱۳۹۴) *بررسی مفاهیم پارادایم، مرجعیت و ائتلاف حامی در تحلیل سیاستگذاری عمومی، فصلنامه سیاست*، دوره ۴۶، (۱)، صص ۳۰۵-۲۸۵.
- ملک محمدی، حمیدرضا، کمالی، یحیی (۱۳۹۴) *بررسی مفاهیم پارادایم، مرجعیت و ائتلاف حامی در تحلیل سیاستگذاری عمومی، فصلنامه سیاست*، دوره ۴۶، (۱)، صص ۳۰۲-۲۶۵.
- نصر اصفهانی، علیرضا و همکاران (۱۴۰۰) *بررسی پیشرفت های جدید در روش های آینده پژوهی، نشریه آینده پژوهی انقلاب اسلامی*، سال اول، (۳)، صص ۱۱۱-۱۵۳.
- Sabatier, Paul (1991). *Towards Better Theories of the Policy Process*, Political Science and Politics June
- Inayatullah, S. (2008). *Six pillars: futures thinking for transforming foresight*, 10(1), 421.
- Bell, Wendell. (1997). *Foundations of Futures Studies*. 2 Vols. New Brunswick, USA: Transaction Publishers. Vol.1: History, Purpose, Knowledge; vol. 2: Values, Objectivity, and the Good Society
- Deleon, peter (1997) *democracy and the policy science*. Albany: state university of new York press.
- Fischer, frank (1980) *politic , values, and public policy: the problem of methodology*. boulder, co: westview press.

### References:

- -Ashtarian, k. (2007). *Iran's public policy*, Tehran: mizan press (in persian)
- -Arab baferani.M.Eyvazi. M.(2021) A comparative study of typologies of methods in future research, *Islamic Revolution Future Research Journal*, year 2, (1) pp. 7-36. (in persian)
- -Bozorgi, M (2009) *Research methods in the field of future studies*, the monthly book of social sciences, N.14. (in persian)
- -Bell, Wendell. (1997). *Foundations of Futures Studies*. 2 Vols. New Brunswick, USA: Transaction Publishers. Vol.1: History, Purpose, Knowledge; vol. 2: Values, Objectivity, and the Good Society.
- -Danaeei fard.H.et al(2016) Understanding the termination of public policies in Iran, a research based on the foundation data theory, *strategic management thought*, 9th year, (1), pp. 122-84. (in persian)
- Deleon, peter (1997) *democracy and the policy science*. Albany: state university of new York press.
- Eyvazi.M.(2006) An analysis on the idea of the necessity of producing science and knowledge in Islamic Iran, *Political Journal*, (71), pp. 163-186. (in persian)
- -Eyvazi,M.Pedram.R.(2021) The role of futurists in the formation of Islamic futurism. The Promised *Expectation Quarterly*, Year 11, (36), pp. 12-35. (in persian)
- -Eyvazi.M.(2016) Political Future Research, *Strategy Quarterly*, 25th year, (79), pp. 13-32. (in persian)
- -Fridman.L.(2003) *the future of strategic studies in the strategy of the contemporary world*, translated by Kabek Khabeiri, Tehran: Abrar Moaser. (in persian)
- -Fischer, frank (1980) *politic , values, and public policy: the problem of methodology*. boulder, co: westview press.
- -GHolipur.R.GHolam porahangar.E.(2014) *The process of public policy making in Iran*: Tehran Islamic Council Research Center. (in persian)
- -Gharone.H.et al(2016) Classification of policy pre-evaluation tools with future research approach, *Public Policy Quarterly*, Volume 2, (2), pp. 119-141. (in persian)
- -Gordon.A.(2013) *Understanding the Future*, translated by Tayyaba Vaezi, Tehran: Strategic Studies Research Institute Publications. (in persian)
- -Inayatullah, S. (2008). *Six pillars: futures thinking for transforming. foresight*, 10(1), 421.



- -koen bi.S.W.L(2021) *An introduction to the theory of public policy*, translated by Hamid Zare and Hossam Khazarai Hazeq Fekar, Tehran: University of Tehran Publications Institute, first edition. (in persian)
- -kamali.y.(2017) Metacomposite methodology and its application in public policymaking, *Politics Quarterly*, Volume 47, (3), pp. 736-832. (in persian)
- -khazaei,S. mahmoodzade.A(2014) *Future studies*, Isfahan Alam Afarin publication. (in persian)
- -Moler.p.(1999) *Public policy*, translated by Hamidreza Malek Mohammadi, Tehran: Dadgstar. (in persian)
- -Malek mohammadi.H.kamali.y(2015) Examining the concepts of paradigm, authority and supporting coalition in the analysis of public policy, *Policy Quarterly*, Volume 46, (1), pp. 285-305. (in persian)
- Nasr esfhani,A. et al(2021) Review of new developments in future research methods, *Islamic Revolution Future Research Journal*, first year, (3), pp. 111-153. (in persian)
- Roshandel Arbatani.T.(2021) *A fundamental research in the field of theoretical concepts of media policy*, Public Administration, Volume 7, (3), pp. 481-508. (in persian)
- -Slauter.R& et al.(2007) *New thinking for the new millennium concepts of method*, Tehran: Defense Science and Technology Future Research Center, Defense Industries Educational and Research Institute. (in persian)
- -Sabatier, Paul (1991). *Towards Better Theories of the Policy Process*, Political Science and Politics June